



حقوق اسلام و دانشمندان غرب

حقوق اسلام به صفت یکی از سیستم های حقوقی جهان با سابقه (۱۴۰۰) ساله خود، با وجودیکه از جهت قدامت تاریخی بعد از حقوق روم در جایگاه دوم قرار دارد، از لحاظ محتوا و مضمون نسبت به آن ساحة وسیعتر را احتوا میکند. اما دانشمندان غرب این حقیقت را بخوبی درک نکرده اند. در مورد اسلام و سیستم حقوقی آن افکار و نظرات تمام دانشمندان غرب بخصوص شرقشناسان غرب یکسان نیست. ذیلاً این موضوع را مورد بررسی قرار میدهیم:

در آثار بعضی از دانشمندان غرب و شوروی سابق افکار و نظرات نوشته شده در مورد حقوق اسلام، بیشتر از عدم توانایی مولفان از درک موضوع و ماهیت این سیستم حقوقی به مثابهٔ محصول شرایط اقتصادی - اجتماعی و خواست زمان سرچشمه میگیرد. آنها به نسبت اینک توانایی توضیح قابلیت تکامل و هماهنگی آن را با نیازمندیهای زمان نداشته اند، نتایج پژوهشهای شان قناعت متخصصان حقوق اسلام را فراهم کرده نمیتواند. علل چنین نظریات بی اساس مطالب زیرین بوده میتواند:

- دانشمندان غرب که در مورد حقوق اسلام تحقیقات انجام داده اند، بخصوص اکثر شرقشناسان حقوقشناس نبوده و به تمام جوانب علم فقه (اصول و فروع) ورود کافی نداشته اند. آنان بدون مراجعه به منابع اساسی حقوق اسلام یعنی قرآن، سنت، اجماع، قیاس، همینگونه منابع کمکی مانند استحسان، عرف، ذرایع، مصالح مرسله، استحسان، و یا کتب معتبر فقهی، یا بدون مراجعه به کتب کلاسیک فقهی، مستقیماً با استفاده از کتبی که توسط مؤلفین مختلف دوره های بعدی به شیوه های گوناگون نوشته شده، تحقیق کرده اند، به عمق ماهیت مسائل حقوقی پی برده نتوانسته اند. در حالیکه حقوق اسلام دارای نظام تعلیمی بوده آموزش آن به طور سیستماتیک ضروری است. چونکه آموزش هر مسئله جدا از نظام آن ما را به نتیجه نامطلوب میرساند.

- آنان علم فقه را علم مجرد و بدون تحرک تصور نموده، تحرک و خصوصیت اثر آفرینی آن را فراموش کرده اند، و مجتهدین (دانشمندان حقوقشناس اسلام - فقیهان) را که نماینده های قانونگذاری و نظریه پردازان حقوقی اند در نظر نگرفته اند.
 - بعضیها، بخصوص دانشمندان روسیه، بعضاً با اتکا به منابع مذهب تشیع، در باره مکاتب سنی ها سخن رانده اند.
- دانشمندان ذکر شده و اکثر دانشمندان غرب بر اساس یک سلسله ملحوظات دیگر به توضیح علم فقه به صفت یک سیستم حقوقی مستقل موفق نشده اند. بگونه مثال: محقق روسی ان. شیدولینه در تحقیقاتش بر اساس سیاست ضد اسلامی شوروی ادعا میکند که در عقد و فسخ نکاح (طلاق) و شاهد شدن زنان گویا که در قرآنکریم به حقوق زنان ارزش کم داده شده است. اگر موضوع از روی واقعیت بررسی شود، بی اساس بودن این ادعا به اثبات میرسد.
- اگرچه فقه - حقوق اسلامی نظر به سیستم حقوقی روم جوانتر است، ولی با طی مراحل پیشرفت و ترقی خود به یکی از پیشرفته ترین سیستم های حقوقی جهان مبدل گشته است. اگر فقه را با سیستم حقوقی غرب مقایسه کنیم، می بینیم که حقوق اسلام تمام ساحاتی را که در سیستم های حقوق غرب وجود دارد، را احتوا میکند، و از اینکه بر اساس میتودولوژی خاص خود انکشاف میکند و قابلیت هم آهنگی با زمان را دارد، اطمینان کامل میکنیم.
- در حقوق اسلام انستیتوت هایی موجود است که، در حقوق غرب عموماً وجود نداشته و یا اینکه بعد ها شکل گرفته، و با استفاده از تجارب حقوق اسلام رواج یافته است. مثلاً: حقوق وقف، به صفت شکل ابتدایی بنیاد یا فوندیشن بر اساس آثار دانشمندان بوجود آمده، و طی سده ها به تمام کشورهای اسلامی، بخصوص در تاریخ حاکمیت دولتی اوزبیکستان و حدود تورکستان و خراسان، همینگونه در امپراتوری عثمانیها به خاطر رونق علم و فن به حیث وسیله نهایت مهم مصدر خدمت گردیده است.
- همینگونه محتسب (احتساب) هم در حقوق اسلام دارای تاریخ ۱۳ سده است. این تجربه که در دوران غزنویها و تیموریها تکامل نموده در سال ۱۷۰۹ توسط پادشاه سویدن چارلس ۱۲ اقتباس شده، و در سده های ۱۹ به شکل امبودسمن (محتسب) ترویج یافت.
- دین گوتیریر مشاور سازمان ملل متحد در امور امبودسمن، و رئیس سابق انجمن امبودسمن ایالت الاسکا و امبودسمن های امریکا در بیانیه اش در مورد تجربه جهان در باره انستیتوت امبودسمن در کنفرانسی که در سال ۱۹۹۹ از طرف اکادمی وزارت داخله اوزبیکستان برگزار گردیده بود، در مورد این موضوع ذیلاً ابراز نظر نموده بود:
- «یکی از ریشه های تاریخی امبودسمن قرآنکریم و از تمایل عدالت به صفت بخشی از مفکوره اسلام بوجود می آید. از طرف حضرت عمر به خاطر پذیرش شکایات و حل منازعات منصب محتسب تشکیل گردیده بود. در سال ۱۷۰۹ پادشاه سویدن چارلز ۱۲ از روسیه به ترکیه می آید.

او بعد از برگشت به سویدن در سال ۱۷۱۸ امبودسمن عالی را تأسیس میکند. نماینده های بعضی مکاتب اینرا تحت تأثیر رهبر عدلیه ترک که بنام «قاضی القضاة» مشهور است میدانند.

مبارزات میان پادشاهان سویدن و پارلمان در مورد حاکمیت باعث تصویب قانون اساسی در سال ۱۸۰۹ گردید. در آن حال پارلمان منصب امبودسمن را جاری میکند.

بعد از آن بر اساس تجربه سویدن در اکثر کشور های جهان اقتباس انستیتوت امبودسمن آغاز گردید. اکنون هم در بعضی کشور های اسلامی امبودسمن، محتسب نامیده میشود. ما در مقاله گذشته درین باره معلومات مفصل دلدده ایم.

همچنان مبادی و اساسات حقوق بین الدول از نظام حقوقی اسلام اقتباس شده است. کتاب «السیر الکبیر» که محمد بن حسن الشیبانی بر اساس نظرات حقوقی ابوحنیفه نوشته، در ساحه حقوق بین الدول و حقوق اسلام اثر نهایت مهم است. شمس الائمه سرخسی - تا آخر عمر در فرغانه زیسته و در سال (۱۰۹۷) در همانجا وفات نموده - بر این اثر شرح بزرگی نوشته که بدسترس ما قرار گرفته است.

نظر به نوشته دانشمند امریکایی مجید خدوری در کتاب «حقوق در اسلام» با نشر ترجمه این کتاب در سال (۱۸۲۵) در اروپا، جوزف هامر پورگشتال (Hummer Purgstall) دانشمند شرقشناس آلمانی، محمد شیبانی مؤلف این کتاب را، گروتسی اسلام نامید. اروپائیان گروتسی را به صفت اساسگذار حقوق بین الدول میشناسند.

این شرح در سال ۱۹۱۷ در حیدرآباد هندوستان در چهار مجلد به نشر رسید. دانشمند فرانسوی هینس گروسی هم شیبانی را گروتسی اسلام نامیده، در سال ۱۹۵۵ یک انجمن بین المللی حقوق بنام «شیبانی» تأسیس نمود.

تقدیر و اعزاز الشیبانی از طرف دانشمندان اروپایی نهایت بجا بود، زیرا او هشت و نیم قرن پیش از گروتسی (Grosius) بسیاری از مسائل مربوط به تمام ساحات حقوق بین الدول (حقوق بین المللی خصوصی و عمومی)، به خصوص، ضرورت رعایت معیارها در ترتیب شرطنامه های جنگ و صلح، نورمهای برخورد با اسیران جنگی را برای اولین بار در کتابش به طور مفصل توضیح نموده است.

نظر به نوشته دوکتور شلبی در کتابش بنام «التشريع و القضاء فی الفكر الاسلامی» (تقنین و قضا در تفکر اسلامی)، والیری ژیسکاردتسن رئیس جمهور وقت فرانسه در سال ۱۹۷۰ به مناسبت دریافت دکتورای افتخاری از دانشگاه قاهره چنین گفته بود: هرچند مصر در اساسات قانونگذاری خود به قانونگذاری فرانسه اتکا دارد؛ اما لازم به تذکر است که «اسلام برای اولین بار در راه اساس گذاری علم حقوق بین الدول فعالیت های نخستین را آغاز نموده بود، جهان این مسئله را قبول دارد». البته منظور رهبر فرانسه ازین گفتار، نظرات حقوقی امام شیبانی درین زمینه بود.

از جمله کسانی که برای اولین بار در موضوع «سیر» کتاب نوشته؛ فقیه بزرگ شام عبدالرحمن اوزاعی بود. او بعد از خواندن کتاب «السیر الکبیر» الشیبان گفته بود «اگر درین کتاب احادیث موجود نمی‌بود؛ فکر میکردم که خود او علم ایجاد کرده است».

به نوشته دکتور احمد شلیبی در کتاب «تاریخ تمدن اسلام»، در سال ۱۹۳۸ در شهر لاهه هالند در بیان نامه‌ی که از طرف اشتراک‌کننده گان کنفرانس بین‌المللی در مورد حقوق‌شناسی قیاسی (حقوق مقایسوی) به تصویب رسید، در باره قانونگذاری اسلام ذیلاً ابراز نظر گردیده بود:

- نظام مستقلی است که از منابع دیگر اقتباس نشده است.
- دارای قابلیت تحرک (هم‌آهنگی) مطابق به خواست زمان است.
- استفاده از آن به صفت منبع واحد در قانونگذاری ممکن است.

لیکن برخی از دانشمندان غرب، مثلاً: جوزف شخت هالندی، بدون پی بردن به ماهیت علم فقه، تصور مینماید که، به نسبت اینکه حقوق اسلام‌داری خصوصیت تغییرناپذیر است، تغییرات اجتماعی را قبول کرده نمیتواند.

همینگونه دانشمند دیگر غرب رینی داوید در اثرش ادعا دارد که، حقوق دانان مسلمان (فقیهان و مجتهدان) صلاحیت اساسگذاری حقوق را ندارند، آنها فقط قانون را شرح میکنند.

در نتیجه پی بردن به ماهیت اجتهاد و اینکه اجتهاد در قانونگذاری دارای چه اهمیت بسزایی است، دانشمندان مذکور چنین نتیجه‌گیریهای اشتباه‌آمیز نموده‌اند. حالانکه در علم فقه زمانیکه قانون سکوت اختیار کند، یعنی حل یک مسئله حقوقی از منابع اساسی بدست نیاید، اجتهاد به کمک میرسد و بر اساس قواعد تعیین شده اجماع، قیاس یا که استحسان (منابع عقلی-راسیونال) و اتکا به دلایل دیگر مسئله را حل میکند.

فقیه وارسته مذهب شافعی عبدالوهاب شعرانی در کتابش به نام «المیزان» چنین مینویسد: «دانشمندان محقق گفته‌اند، علمای اسلام نسبت اینکه وارث پیامبر هستند، صلاحیت وضع قانون از طریق اجتهاد را دارند، و مانند پیغمبر برای تعیین چیزهای حلال حق دارند».

درینجا مثالهای زیادی آورده میتوانیم، بخصوص در ساحت تجارت و ملکیت، خرید و فروش، مسائل قرارداد و اجاره و بسیاری مسائل حقوقیکه بر اساس نظرات مجتهدین راه حل خود را یافته است.

با اتکا بر نظرات دانشمندی چون لین دو بیلان که به ماهیت حقوق اسلام خوب پی برده‌اند و دیدگاه بسیاری از دانشمندان اصول گفته میتوانیم که، موجودیت قیاس، استحسان، مصالح مرسله، قاعده‌های ضرورت و موجودیت یکتعداد اصول و قواعد دلالت به قابلیت قبول تغییر حقوق اسلام را در عمل میکند. این نظر از طریق اجتهاد با موفقیت‌های حاصله تأیید میشود.

نظر به اظهار محمد حسین ساکت مؤلف کتاب «یک نظر تاریخی به فلسفه حقوق»، بر اساس نظر مکتب تحلیلی «جان اوتستی»، کتاب «قاعده اساسی» کیلسن آسترالیایی، اثر «حقوق

عبارت از فیصله و قواعد محکمه است» از قاضی هالمز امریکایی، همینگونه بر اساس مکاتب ریالیستی سویدن که حقوق را به صفت «قوة مجبره» تلقین میکند و مکتب تاریخی ساوینی آلمانی، حقوق اسلام هم آهنگ با آنها و برای پژوهش مناسب است. البته، هم آهنگی با بعضی اصول و قواعد فلسفه حقوق، نمایانگر عالم شمولی و بُعد وسیع (جامع بودن) حقوق اسلام است. این موضوع در حقوقشناسی قیاسی توسط متخصصین این ساحه از حقوق کافیسینوال جهان بالاتر قرار میدهند. به نظر مؤلف کتاب، حقوق اسلام، هم نظرات فلسفه حقوق و مفاهیم آنرا در تعلیمات خود جا داده و هم به تغییرات اجتماعی، عرف - عادات، رسم و رواج اجتماعی که از طرف ایرینگ بنام «حقوق زنده» افاده گردیده توجه زیاد مبذول شده است.

www.hoqooq.eu